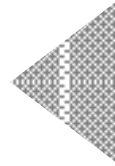


اخلاق کاربردی^۱



برندا آلموند

ترجمه: حامد حاجی حیدری^۲

موضوع مصلحت، موضوع دشواری است که تبعات قابل ملاحظه‌ای در زندگی روزمره ما برجای می‌گذارد. این مبحث هم در حیطه تصمیم‌گیری کلان سیاسی و هم در سطح تصمیم‌گیری‌های فردی در زندگی روزمره مطرح می‌شود. به طور کلی شیوه شایسته جمع کردن بین اصول و ارزش‌های ایدئولوژیک یا اخلاقی از یک سو، رعایت اقتضائات صحنه عمل از سوی دیگر و احتراز از فرو افتادن به ورطه تحجر و جمود نسبت به اصول یا وادادگی و عمل‌گرایی، مستلزم برخورداری از نوعی مهارت در تصمیم‌گیری (هم در سطح کلان و هم در سطح خرد) است و به تبع، نیازمند نوعی آموزش عملی و کارورزی است. ارائه سه مقاله حاضر (یعنی اخلاق کاربردی، چشم‌انداز مقدماتی بر مفهوم حکمت عملی و مقاله قوه حکم سیاسی)، صرفاً به قصد طرح مسأله و دشواری این موضوع و فتح بابی برای بررسی دقیق‌تر آن انجام گرفته و مدعی ارابه راه حل در این باب نیست. امید است که مقبول نظر خوانندگان محترم واقع گردد.

چکیده

عموماً، اخلاق کاربردی با تمرکز ویژه‌ای که بر مباحث مربوط به کاربرد معطوف می‌دارد، از علم اخلاق متمایز می‌شود. به این ترتیب، اخلاق کاربردی شامل اخلاق پزشکی، اخلاق زیست-محیطی و ارزیابی تضمینات اجتماعی تغییرات علمی و تکنولوژیک و همچنین موضوع

۱- منبع:

Almond, Brenda (1998), "Applied Ethics", in Edward Craig (ed.), "Routledge Encyclopedia of Philosophy", Version 1.0, London: Routledge, 1998.

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، Hhhheidari@yahoo.com

سیاستگذاری^۱ در حوزه‌هایی مانند بهداشت، کار و شغل یا روزنامه‌نگاری می‌شود. اخلاق کاربردی به قواعد حرفه‌ای و مسئولیت‌ها در این حوزه‌ها می‌پردازد. مباحثی که در این قلمرو بررسی می‌شوند، نوعاً عبارت از سقط جنین، آسان‌مرگی^۲ [کمک پزشکان به خودکشی بیماران که مرگشان نزدیک است]، روابط شخصی، نحوه رفتار با حیوانات و غیرانسان، و موضوع نژاد و جنسیت هستند. این موضوعات گرچه گاه جداگانه بررسی شده‌اند، اما در متن برخی پرسش‌ها و مسائل عام‌تر فلسفه به بهترین وجه، مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ در مسائلی چون: ما چگونه باید جهان و جایگاه خود را در آن بنگریم؟ زندگی خوب برای فرد چیست؟ جامعه خوب کدام است؟ اخلاق کاربردی نظریه بنیادین اخلاقی، از جمله مکتب اصالت نفع، نظریه حقوق لیبرال و فلسفه اخلاق فضیلت‌محور را در رابطه با این مسائل مورد کاوش قرار می‌دهد.

« اخلاق کاربردی » و « فلسفه کاربردی » بعضاً مترادف استعمال می‌شوند، اما فی الواقع فلسفه کاربردی قلمرویی گسترده‌تر است و حوزه‌هایی مثل حقوق، آموزش و پرورش، هنر و مباحث نظری در هوش مصنوعی^۳ را نیز شامل می‌شود. این قلمروها شامل مسائل فلسفی (مسائل مابعدالطبیعی و معرفت‌شناختی) است که دقیقاً اخلاقی نیستند. بنابر این اخلاق کاربردی با تمرکز دقیق‌تر بر پرسش‌ها و مسائل اخلاقی قابل درک است. مع الوصف بسیاری از مباحثی که اخلاق کاربردی به آنها می‌پردازد، در واقع با دیگر ابعاد فلسفه در رابطه است؛ مثلاً اخلاق پزشکی شامل موضوعات متافیزیکی مانند ماهیت فردیت^۴ یا تعریف مرگ است.

۱. تعاریف

گرچه نام « اخلاق کاربردی » نسبتاً تازه است، اما ایده و اندیشه آن جدید نیست. به طور سنتی فلسفه هم خود را با پرسش اخلاق فردی (من باید چه کنم؟) مشغول می‌کند و هم به مسأله اخلاق عمومی (جامعه خوب چیست؟) می‌پردازد. اما گرچه این مسائل برای اخلاق کاربردی اساسی و مبنایی هستند، در عین حال می‌توان گفت که این پرسش‌ها وجه شاخص اخلاق به معنای اعم را تشکیل می‌دهند. بنابر این اخلاق کاربردی عمدتاً به عنوان بخشی از علم اخلاق که

۱- Policy.

۲- Euthanasia.

۳- Artificial Intelligence.

۴- Personhood.

التفات ویژه و مستقیمی به مباحث و مجادلات کاربردی دارد ممتاز می‌شود. در حوزه خصوصی، از جمله مباحث اخلاقی، موضوعاتی هستند چون مسائل مربوط به خانواده و یا پرسش‌های مرتبط با روابط شخصی دوستانه یا مراقبت از سالمندان یا معلولان و یا پرورش جوانان، بویژه زمانی که به موضوعات اخلاقی ربط می‌یابد؛ همین طور مسائل اخلاقی فردی ناشی از محل کار. اخلاق کاربردی در قلمرو عمومی ممکن است به ارزیابی سیاست‌گذاری در پرتو پیشرفت‌های تکنولوژی زیست-پزشکی و یا بررسی تعهدات و وظایف بین‌المللی در قبال نسل‌های آینده با توجه به مسائل زیست-محیطی پردازد. قلمرو عمومی^۱ همچنین شامل مجموعه‌ای از مباحث در مورد یک جامعه متکثر است، مانند مباحث مربوط به قومیت یا جنسیت در ربط با مسائل تبعیض، تفاهم فرهنگی و تسامح؛ ممکن است اخلاق کاربردی، گسترده‌تر از این، به مباحث مربوط به فلسفه سیاسی همچون تروریسم و اخلاق جنگ گسترش یابد. در همه این موارد دلمشغولی اخلاق کاربردی نه تنها یک منظر اخلاقی فردی را پشتیبانی می‌کند، بلکه خطوط راهنمایی برای سیاست‌گذاری عمومی نیز ترسیم می‌نماید.

اخلاق کاربردی همچنین شامل اخلاق حرفه‌ای^۲ نیز هست. اخلاق کاربردی دشواری‌ها و چالش‌های اخلاقی را که کارمندان و دست‌اندرکاران امور بهداشتی (پزشکان، پرستاران، مشاوران، روانپزشکان و دندانپزشکان) و طیف گسترده‌ای از کارگران و کارمندان در دیگر حرف مانند حقوق‌دانان، حسابداران، مدیران و رؤسا، کسبه، پلیس و مأموران اجرای قانون با آن مواجهند بررسی می‌کند. این امکان وجود دارد که مباحث خاص اخلاقی مانند رازداری، صداقت یا تضاد منافع در همه یا برخی از این حوزه‌ها پدید آیند و غالب اصناف و حرفه‌ها در پی آنند تا رویکردهای خود را قاعده‌مند کنند و رهنمودی برای اعضای خود ارائه دهند.

۲. نظریه و کاربری

در پس همه این مباحث، پرسشهایی در مورد عدالت، حقوق، نفع، فضیلت و اجتماع مطرح می‌شوند. بنابراین، اقدام به تمایز میان اخلاق نظری و عملی باید به توجه به چند نکته محدود گردد. برخی بر این اساس واژه «کاربردی» را اضافه می‌دانند چرا که برآنند که اخلاقی که کاربردی نباشد، نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ از یک سوی، آنها استدلال می‌کنند که ممکن

۱- The Public Arena.

۲- Professional Ethics.

نیست مفاهیم نظری مانند حقوق و عدالت به صورت صرفاً انتزاعی نگریسته شوند، و از دیگر سوی علم اخلاق نباید از ریشه‌هایش در اخلاق مرسوم و سنتی جدا گردد. اما گر چه تأکید بر این پیوستگی و تداوم مهم است، ولی وجوه خاصی در اخلاق کاربردی وجود دارند که آن را عملاً از اخلاق نظری جدا می‌کنند؛ (الف) توجه بیشتر به متن و جزئیات و (ب) رویکرد کل‌گرایانه‌تر^۱ (عزم اخلاق کاربردی در مرتبط کردن آرمان‌های اخلاقی با درکی از ماهیت و نیازهای انسانی)، از وجوه خاص اخلاق کاربردی است. بنابر این احتمال کسانی که به اخلاق کاربردی مشغولند بیشتر از حامیان علم اخلاق آکادمیک مرسوم، شایق به پذیرش این مطلبند که روانشناسی و جامعه‌شناسی، دانشی راجع به فرهنگ و تاریخ، بینش‌هایی درباره ادبیات خوب و حتی فهمی از انسان‌ها به عنوان موجودات زیست‌شناختی، همگی به تعیین موضوعات اخلاقی در زندگی فردی و عمومی ربط دارند.

خط مرزی‌ای که بین اخلاق کاربردی و نظری در دیدگاه مذکور می‌توان رسم نمود، بر نقطه‌ای از طیف مباحث علم اخلاق قرار می‌گیرد؛ جایی در نزدیکی هنجارهای توصیه‌ای اخلاقی قرار می‌گیرد و از ورود به تحلیل مفاهیم اخلاقی مانند «درست»، «خوب»، «مسئولیت»، «تقصیر» و «فضیلت» و آنچه می‌توان به آن معرفت‌شناسی علم اخلاق^۲ نامید (این حوزه‌ای است که گاه به آن «فرا اخلاق» اطلاق می‌شود؛ نظریاتی مانند رئالیسم اخلاقی، ذهن‌گرایی و نسبی‌گرایی) بر حذر می‌ماند. رسم این خط حائل در این نقطه، ممکن است تا هنگامی مفید باشد که این واقعیت را مخدوش نسازد که اخلاق کاربردی و نظری مجزا و جدا نیستند، بلکه بر روی پیوستاری از جزئی به کلی، و عینی به انتزاعی قرار دارند.

نقطه تمرکز نهایی در موضوع اخلاق کاربردی ممکن است کاملاً خاص و عینی باشد؛ یعنی یک مطالعه موردی منفرد. و این است که وجه شاخص‌تر اخلاق کاربردی را آشکار می‌کند: پرداختن به تعارض‌ها؛ البته نه ضرورتاً به معنای سفت و سخت منطقی و موقعیت‌هایی که در آنها اقدام به عملی به طور صحیح ناممکن است؛ یعنی موقعیت‌هایی که هر یک از دو شق متضاد کنش ممکن است محکوم به صحت کامل^۳ یا محکوم به نادرستی شوند بلکه به معنای مسامحی‌تر، یعنی

۱- Holistic.

۲- Epistemology Of Ethics.

۳- Mandatory.

موفقیت‌هایی که انتخاب میان کنش‌ها در آن موقعیت‌ها بسیار صعب و مشکل باشد، استدلال‌ها در مورد هر دو طرف الزام‌آور باشند، و شخص کنشگر به شدت تحت تأثیر سویه‌های متضاد قرار گیرد (مثلاً، تجویز مداخله پزشکی مؤثر در فرایند رشد کودک شدیداً معیوبی که در صورت عدم مداخله یا ادامه دادن سیر طبیعی، خواهد مرد). گر چه باید گفت که انتخاب میان گزینه‌هایی که به لحاظ اخلاقی برابرند به معنای دقیق کلمه تعارض محسوب نمی‌شود (هر چند باید پذیرفت که این وضعیت می‌تواند موجب آسیب عاطفی گردد)، در عین حال، انتخاب بین الزام‌های اخلاقی‌ای که قطعاً از اهمیت برابر برخوردارند مسأله‌ای اخلاقی نیست. در چنین مواردی، سؤال اخلاق کاربردی منطقاً می‌تواند این باشد که آیا گزینه‌های پیش رو، واقعاً از نظر اخلاقی برابرند یا نه.

از آنجا که اخلاق کاربردی بر تعارض‌های فردی و خاص تمرکز می‌کند، باید با پرسش تعمیم که ممکن است به صورت یک مسأله «قضیه مطلق» به نظر آید، مواجه شود: خیلی کارها در نتیجه پرسش «اگر همه آن کار را بکنند چه می‌شود؟» محکوم به نادرست بودن می‌شوند، در حالی که ممکن است برای یک فرد در یک مورد خاص، صرف‌نظر کردن از این قاعده بی‌ضرر و راحت‌تر به نظر برسد، اما در عین حال از اینکه دیگر افراد از آن قاعده متابعت کنند سود می‌برد. عالمان اخلاق کاربردی مانند عالمان اخلاق نظری باید راهی برای فائق آمدن به این مسائل بیابند، اما برای عالمان اخلاق کاربردی مسأله به لزوم به کارگیری آنچه گاه به آن «توجیه‌گری اخلاقی»^۱ گفته می‌شود، محدود می‌گردد. این علم باستانی (توجیه‌گری اخلاقی) ضرورتاً مذموم نیست (چرا که معنای دیگر «casuist» (توجیه)، «سوفیست» یا «زبان‌باز»^۲ است؛ اصطلاح «توجیه» اصولاً اصطلاحی که در فحوای خود سوء استفاده را افاده کند نیست، بلکه صرفاً به معنای پذیرش این نکته است که گرایش مردم در یک محیط الهی به این سو جهت می‌گیرد که برای مسائل مشکل وجدان خود، در یک شرایط خاص، «پاسخی صحیح» داشته باشند.

۳. روش

ممکن است روش استدلالی که در «اخلاق کاربردی» به کار گرفته می‌شود با روشی که یک طراح به کار می‌گیرد قابل مقایسه باشد؛ یک طراح کارش را با یک طرح کلی آغاز می‌کند، اما

۱- Moral Casuistry.

۲-Quibbler.

باید آن را با اطلاعات خامی که در دست دارد و با موقعیت‌هایی که به آن طرح کلی نیاز است تطبیق دهد. در این مورد شباهت‌هایی به روش هگلی در استدلال دیالکتیکی وجود دارد و همچنین به روش تعادل همراه با تعمق که برخی نویسندگان معاصر مانند رالز (۱۹۷۱) به آن عنایت دارند شباهتهایی دارد؛ در این روش، شهوداتی که در واکنش به موارد خاص صورت می‌گیرند با اصولی مورد سنجش قرار می‌گیرند؛ این امر به بازنگری در آن شهودها منجر می‌شود و اقتضائات آنها برای موارد خاص مجدداً بررسی می‌شود. مطابق چنین نگرشی به موضوع، روش اخلاق کاربردی نه صرفاً قیاسی است و نه فقط استقرایی. در عین حال، طبق دیدگاه‌های دیگر مدل قیاسی قدرتمندتر است و پرسشی که در هر مورد خاص پاسخ دریافت می‌کند این است که آن مورد تحت کدام اصل تخطی‌ناپذیر قرار می‌گیرد. رویکردهای دیگر نیز با مدل استقرایی سر مساعدت دارند که بر اساس آن با بررسی دقیق آنچه در موارد خاص درست است؛ فرموله کردن یک اصل عام که شامل این احکام و دیگر احکام خاص شود ممکن می‌گردد.

به طور کلی هدف از بررسی نظریات اخلاقی در اخلاق کاربردی این است که این پرسش که انسان‌ها چه باید بکنند در بالاترین درجه عمومیت و انتزاع پیگیری شود. در عمل، بررسی نظریات غالباً متضمن پرداختن به نتایج این نظریات در حل مسائل خاص است چرا که اخلاق کاربردی ذاتاً در پی پاسخگویی پرسشهای گسترده با بیشترین درجه ویژگی است.

۴. منتقدان و مخالفان

اخلاق کاربردی در جستجوی پاسخ‌ها به مسائل خاص به خلاف جریان فلسفه متأخر حرکت می‌کند چون دیدگاهی که در خلال سلطه تجربه‌گرایی و پوزیتیویسم (بخش عمده قرن بیستم) رواج یافت از این قرار است که فلسفه درباره مسائل کاربردی اضطراری چیزی برای گفتن ندارد. این دیدگاه در دو دسته استدلال فلسفی عمده بنیان نهاده شد: الف) ردیه هیوم به براهینی که در پی استنتاج یک «باید» از یک «هست» هستند. ب) برهان مور^۱ مبنی بر اینکه صفات اخلاقی را با صفات «طبیعی» یا تجربی شناختن در افتادن به «مغالطه طبیعت‌گرایانه» است. اگر قرار است اخلاق کاربردی فائق آمدن بر شکاف میان توصیف‌های ناظر به واقع از موقعیت‌ها و احکام اخلاقی است، باید در مقابل این هر دو این برهان بایستد و حداقل پاسخی که تا حدی می‌توان به این دو برهان داد تأکید بر این نکته است که برخی واقعیات «مثل روز روشنند» مثل شکنجه،

۱- Moore, George Edward (1873-1958).

کودک‌کشی و نسل‌کشی.

این استدلال که واقعیات و ارزش‌ها باید از هم جدا نگه داشته شوند برای فیلسوفان خارج از جهان انگلیسی زبان کمتر یک مانع محسوب می‌شود. مثلاً مفهوم پراکسیس برای بسیاری از سبک‌های فلسفی اروپا (غیر از انگلستان) از جمله مارکسیسم مکتب فرانکفورت و فلسفه هابرماس مفهوم آشنایی است، همین طور تلقی‌ای از فیلسوف به عنوان عنصر فعال -علاقه‌مند به ایفای نقشی در عالم -بخش مهمی از تفکر اگزیستانسیالیستی فرانسه است و با آثار سارتر شهرت یافته است با این حال این منابع نوع متفاوتی از چالش را فراروی مفهوم فلسفه اخلاق کاربردی به عنوان رویکردی بیطرف و ذاتاً استدلال محور به مباحث اخلاقی در اجتماع قرار می‌دهد. مخالفت‌هایی که با مفهوم هنجارهای اخلاقی عام و رویه‌هایی مبنایانه در استدلال (چالش پسامدرنیستی) صورت می‌گیرند با این موارد در ارتباطند: تحولات اخیر در نظریه مارکسیستی، رویکردهای خاص فمینیستی به فلسفه اخلاق و معرفت‌شناسی، و جنبش ساخت‌زدایی (مکاتب فکری‌ای که علاوه بر این ممکن است ساختارهای قدرت در جامعه‌ای را به تحلیلی بکشند که با اعتقاد به آزادی عمل فردی ناسازگار است. حامیان این مواضع نظری غالباً با قوت تمام مدعی پذیرش حقوق می‌شوند، اما این، بیشتر سوءاستفاده از پیش فرض‌های مخالفان آنان است تا پذیرش مفاهیم اخلاقی عام و آزادی انسانی. با وجود این، شاید منتقدان دیگر علم اخلاق سنتی با اخلاق کاربردی هم‌نوا تر باشند.

برخی نویسندگان فمینیست که برجسته‌ترین آنها کارول گیلیگان^۱ (۱۹۸۲) است که بر مبنای پژوهشی که روشن می‌سازد که بسیاری از واکنش‌های زنان در دوره‌های اخلاقی بر اساس بستران دو راهی‌ها صورت می‌گیرد، استدلال کرده‌اند که زنان به طور کلی بیشتر مایلند که یک اخلاق مراقبت و مسئولیت در قبال دیگران خاص را بپذیرند تا یک اخلاق انتزاعی مبتنی بر اصول، حقوق و عدالت را. ممکن است به نظر رسد چنین رویکردی با راه‌حل «موارد دشوار»^۲ مثلاً در مراقبت‌های بهداشتی و مددکاری اجتماعی بیشتر انطباق داشته باشد.

به همین ترتیب رویکردی که به «اخلاق فضیلت محور» شناخته می‌شود با تأکیدی که بر جستجوی خیر در موقعیت‌های خاص دارد با اخلاق کاربردی بسیار سازگار به نظر می‌رسد، حتی

۱- Carol Gilligan.

۲- "Hard Cases".

اگر چه حامیان آن به لحاظ اینکه مبنای خود را عینی تر می‌انگارند و به غلط، اخلاق کاربردی را با ذهنیت‌گرایی و نسبی‌گرایی یکی می‌گیرند، گاه به نظر می‌رسد آن را در جبهه مقابل می‌بینند. دیگر ایستارهای قالبی که باید رد شوند سیاسی‌اند: اخلاق کاربردی نوعاً با اعتقاد به گیاهخواری، صلح‌گرایی، فمینیسم و زیست-محیط‌گرایی همراه بوده‌اند. در عین حال، باید توجه داشت که اخلاق کاربردی نقد و نظرها و ارزیابی‌های نیز نسبت به این مواضع دارد: دفاع‌های صورت گرفته از گوشه‌خواری یا آزمایش بر روی بر روی حیوانات، تردید در فمینیسم و مقاومت در مقابل اخلاق اکولوژیک^۱ جدید را باید در کنار نشریات اصول‌گراتر بر روی قفسه‌های کتابخانه‌ها پیدا کرد تا وقتی که این نظرات گوناگون درون یک چهار چوب اخلاقی گسترده قرار دارند مشکلی در کار نیست، چرا که بطور کلی جوهر فلسفه کاربردی است که در هر یک از موضوعات منفرد، نظرش به خود آنها بخصوصه است به بخشی از معامله یکجای ایدئولوژیک.

پس اخلاق کاربردی بخشی از یک پیش کامل به شرایط انسانی است و منظر گسترده‌ای از تصمیم‌سازی اخلاقی را در بر می‌گیرد. ضرورتاً این تصمیم‌سازی اخلاقی است که به عنوان سیاست عملی قلمداد می‌شود؛ این سیاست عملی، محدودیت‌های هنجارهای اخلاقی، حقوق و اصول اخلاقی‌ای که سزاوار احترام جهانی‌اند را آگاهانه می‌پذیرد. در جایی که این امر پذیرفته شود هدف اخلاق کاربردی روشن است: اخلاق کاربردی درک روشن‌تری از درست و غلط به دست می‌دهد و در کنار آن دیدگاهی به دست می‌دهد که این بصیرت‌ها را در شیوه‌های رفتار و نهادها جلوه‌گر سازد.

۵. زمینه تاریخی

به راحتی می‌توان گفت آغاز فلسفه کاربردی که با آغاز سنت فلسفه غربی به عنوان یک کل، همزمان است، چون اولین نفر از فیلسوفان اولیه یونان یعنی تالس^۲ (تقریباً ۵۸۵ پیش از میلاد) طبق آنچه ثبت و ضبط شده، علایق نظری خود را در فلسفه را با ذکاوت اقتصادی و علاقه به اصلاح حقوقی و سیاسی ترکیب نمود.

مکاتب متأخر فلسفی در دوران باستان (فیثاغورثیان، اپیکوری‌ها و رواقیان) اصولی برای زندگی و حتی در واقع، ضوابط مشخصی را برای مقام عمل به پیروان خود ارایه می‌دادند.

۱- Ecological Ethics.

۲- Thales.

هم برای افلاطون و هم برای ارسطو، پرسشهای اخلاقی و سیاسی بر حسب مفاهیمی مانند خیر، انسان، خیر غایی، یا آنچه به خودی خود و فی حد نفسه خوب است مطرح بودند. فرض آنها این بود که این پرس و جو، هم به یک روش زندگی برای فرد و هم به برداشتی از جامعه خوب منتهی می‌شود. آنها در مورد اینکه آیا این شیوه باعث می‌شود که یک فرد بالضروره بر اساس بصیرت‌های اخلاقی که به این ترتیب به دست آمده عمل کند اختلاف داشتند؛ ارسطو، به رغم افلاطون در آثار نخستین‌اش، بر آن بود که امکان دارد ضعف اراده در این میان مداخله کند و شخصی را که خیر را شناخته از تعقیب آن منحرف سازد.

فلاسفه بعدی کراراً مفروضات اخلاقی خود را درباره موارد خاص به کار می‌بردند و این عمل را شیوه‌ای برای تقطیع علم اخلاق (که آن را به علم جزئیات تبدیل می‌کند) تلقی نمی‌کردند، بلکه سیری به سوی تدوین اصول راهنما می‌دانستند. آکویناس^۱ گستره‌ای از مباحث کاربردی از جمله ازدواج و خانواده را در کتاب «*سوما تئولوژیا*»^۲ متعرض شده است و این سبک توسط سوچرز^۳ (۱۶۱۲-۲۱) و گروسوس^۴ (۱۶۲۵) بیشتر بسط داده شد. لاک^۵ (۱۶۸۹) در موضوع تساهل قلم فرسایی کرد، کانت (۱۷۸۵؛ ۱۷۹۷) مطالبی در مورد خودکشی و این پرسش که آیا گفتن دروغ با انگیزه‌های خیرخواهانه درست است به رشته تحریر درآورد. بنتام^۵ (۱۷۸۹) نظریه پیچیده‌ای راجع به تنبیه ارائه داد و حتی طرح و نقشه‌هایی برای نوع جدیدی از زندان با نام «panopticon» طراحی نمود. او همچنین در مورد اصلاحات حقوقی و سیاسی نکاتی نوشت. فلسفه هگل مشتمل بر دیدگاههایی درباره خانواده و تنبیه بود. آثار جان استوارت میل درباره تساهل، مشی پدرسالارانه و فمینیسم (۱۸۵۹) هنوز هم مورد توجه‌اند، همچنان که مجادلاتی که در این حوزه‌ها در گرفته، هنوز موضوع اختلاف و بحث است، و نظریات دیویی درباره آموزش و پرورش (۱۹۱۶) تأثیر عملی قابل ملاحظه‌ای بر نظام‌های آموزشی در ایالات متحد آمریکا و بریتانیا به جای گذارد.

در علم اخلاق، آن سنتی که با اخلاق کاربردی هم‌نوا و همراه نیست، در واقع خاستگاه نسبتاً

۱- Aquinas.

۲- *Summa Theologiae*.

۳- Sujerz.

۴- Grotius.

۵- Bentham.

جدیدی دارد. این سنت با تسلط پوزیتیویسم و تجربه گرایی در فلسفه علم و اقبال عمومی به تحلیل زبانی در معرفت شناسی همراه بوده است. این پدیده‌ای قرن بیستمی است. درست در سالهای انتهای قرن نوزدهم برداشت فراختری از علم اخلاق شکوفا شد. اگر نزدیک بینی مشخص فیلسوفان انگلیسی زبان را نسبت به مباحث کاربردی که با نیمه نخست قرن بیستم مصادف است تشخیص دهیم، ممکن است تبیین‌های گوناگونی برای بازگشت تدریجی کانون دید ارائه کنیم. برای کسانی که علاقه‌ای به اخلاق پزشکی دارند، به پروژه تحقیقاتی‌ای در تاسکزی^۱ در ایالات متحد آمریکا استناد می‌شود که گروه کنترل مبتلا به سفلیس در آن، چند دهه پس از شناخته شدن درمان قطعی آن بدون معالجه نگه داشته شده بودند و همین امر جرقه‌ای شد که مباحث گسترده‌ای در باب مباحثی همچون استقلال فردی، خیرخواهی و بدخواهی، محرمانه بودن اطلاعات پزشکی، و اخلاق آزمایش‌ها بر روی آزمونهای انسانی برافروخت. در عین حال این واقعه بیش از آنکه علت بوده باشد احتمالاً یک علامت بوده است، چرا که پزشکی بطور کلی در طول این دهه از حرفه‌ای با قدرت تأثیرگذاری ناچیز بر سیر طبیعی بیماری به ابرازی قدرتمند و مداخله‌گر تحول یافته است. بنابر این صرفنظر از علل خاص این قضیه، تقریباً از همین دوره بود که اخلاق پزشکی به عرصه مباحث انتقادی و جدال برانگیز مبدل شد.

به همین ترتیب در ایالات متحد آمریکا، جنگ ویتنام و اعتراضاتی که برانگیخت به عنوان امری تلقی می‌شود که به بحث درباره گستره متفاوت موضوعات کاربردی (نافرمانی مدنی و مسئولیت در قبال وجدان در مقابل مسئولیت در برابر جامعه) دامن زده و تأثیر نسبتاً مستقیمی در بنیانگذاری و ایجاد جمعیت «فلسفه و امور عمومی»^۲ و مجله «فلسفه و امور عمومی» داشته است.

دیگران با تمرکز بر توجه فلاسفه کاربردی به بهزیستی حیوانات، انتشار کتاب آزاد سازی حیوانات (۱۹۷۵) نوشته پیتر سینگر^۳ را به عنوان راهنمای برداشت جدیدی علم اخلاق به مثابه یک حوزه مربوط به عمل و احتمالاً حتی مبارزه و فعالیت قلمداد می‌کنند. همچنین قبل از آن، کتاب **بهار خاموش**^۴ اثر ریچل کارسون^۵ (۱۹۶۲) نظر عموم را به خطرات زیست-محیطی

۱- Tuskegee

۲- "Society For Philosophy And Public Affairs".

۳- Peter Singer.

۴- *Silent Spring*.

۵- Rachel Carson.

فراوانی جلب کرد و به این ترتیب مسیری فراروی فربه شدن رویکرد فلسفی گشود که در آن، تحولات علم و تکنولوژی و شیوه‌های کاربست آنها توسط مؤسسات و دولت‌ها بر روی محیط زیست اموری مرتبط با اخلاق قلمداد می‌شدند. یک دهه یا کمی بیشتر بود که عملکردهای درونی شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری به موضوعی برای موشکافی اخلاقی بدل شدند و رسوایی‌های مربوط به اعمال فاحشی مانند معاملات غیرقانونی به این امر دامن زدند.

بالاخره گفتنی است که خود فلسفه بی‌تردید محرک رشد اخلاق کاربردی را فراهم آورده است. مشغول شدن علم اخلاق دانشگاهی به مباحث کاملاً پیش پا افتاده، در قرنی که شاهد دو جنگ جهانی و موارد فاحش نقض حقوق انسانی بوده است، چنان چشمگیر بوده که دیگر قابل تحمل نیست، بخصوص با دسترسی بیشتر به آموزش عالی و در نتیجه به نخبگان کنونی و جستجوی اسرارآمیز فلسفه.

این گزارش از ظهور اخلاق کاربردی معاصر این پرسش را برمی‌انگیزد که اخلاق کاربردی چه نوع کاوش و مطالعه‌ای است. آیا اخلاق کاربردی صرفاً نوع دیگری از مطالعه و کنکاش آکادمیک است، یا در برانگیختن تغییر در جهان نقش دارد؟ محافظه کار است یا رادیکال؟ منفعل است یا انقلابی؟ پاسخ به سؤال اخیر آن است که اخلاق کاربردی می‌تواند به هردو صورت باشد. تفکر و تعمق ممکن است کسی را بر آن دارد تغییر برای بهبود را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد اما همچنین محتمل است کسی را به جلوگیری از تغییر و تلاش برای حفظ آن چیزی وادارد که در میان آنچه از گذشته به جای مانده بهترین است. ماهیت مناقشه برانگیز غالب مباحث مربوط، به خودی خود محرکی برای بررسی فلسفی آنهاست، چون شاید طرح این مطلب درست باشد که تا این اواخر به رغم تفاوت‌های موجود در پس زمینه‌های دینی یا ایدئولوژیک، به طور کلی یک رویکرد اخلاقی مشترک را می‌توان در نظر گرفت و هنجارهای پذیرفته شده رفتارهای اخلاقی را می‌توان به عنوان نقاط عزیمت استدلال اخلاقی در نظر گرفت. چنین اجماع اخلاقی‌ای را در حال حاضر نمی‌توان مسلم انگاشت، و گرچه رویکردهای مطلق‌گرا به هیچ معنا با جریان اصلی اخلاق فلسفی ناهماهنگ و بیگانه نیستند، اما عملاً دفاع از یک برداشت مطلق‌گرا از اخلاق در مقابل رویکردهای نسبیست‌گرا، ذهنی و سودگرا غالباً با یک رهیافت دینی مرتبط است.

در عین حال، نویسندگان بسیاری که در مورد اخلاق کاربردی مطلب نوشته‌اند موضعی سکولار

و سودگرا اتخاذ کرده‌اند. از جمله این نویسندگان پیتر سینگر، فیلسوف استرالیایی و جان تانان گلوور^۱، فیلسوف آکسفورد که به ویژه در زمینه اخلاق پزشکی قلم زده است هستند آر.ام. هر^۲ در کتاب **تفکر اخلاقی**^۳ (۱۹۸۱) نظریه‌ای توصیف‌گرایانه^۴ را مطرح می‌کند که سودگرایی را با تعمیم‌پذیری کانتی در می‌آمیزد. آنچه به همین نحو تأثیر قابل ملاحظه‌ای به جای گذاشته است اخلاق مراقبت^۵ است که قبلاً به آن اشارت رفت. این رهیافت بیشتر با تفاوت‌های جنسی مرتبط است. دیدگاه‌های دیگر از جمله عبارتند از دیدگاه‌های جان پاسمور^۶، فیلسوف استرالیایی که از یک رویکرد اخلاقی لیبرال به ویژه در ارتباط با اخلاق زیست-محیطی دفاع می‌کند، و دیدگاه جان رالز^۷ که مفهوم تعادل همراه با تعمق وی، شهود گرایی را با نظریه قرار داد تلفیق می‌کند. کتاب **نظریه‌ای در باب عدالت**^۸ (۱۹۷۱) اثر رالز یک رویکرد تازه و کاربردی‌تر را در علم اخلاق معرفی کرده که نتایجی ضمنی را برای علم اقتصاد، حقوق و نظریه سیاسی دربر داشته است. سیسلا بک^۹ در کتاب **دروغ گفتن؛ گزینش‌های اخلاقی در زندگی عمومی و خصوصی**^{۱۰} (۱۹۷۸) و کتاب **اسرار**^{۱۱} (۱۹۸۴) درباره ساخت منعطف موضوعات در زندگی عمومی نوشته است؛ مری میجلی^{۱۲} در کتاب **چهار پا و انسان**^{۱۳} (۱۹۷۸) و در جاهای دیگر رابطه میان انسان‌ها و گونه‌های دیگر را توضیح داده است؛ و اونورا اونیل^{۱۴} (۱۹۸۶) اخلاق کانتی

۱- Jonathan Glover.

۲- R.M. Hare.

۳- *Moral Thinking*.

۴- Prespectivist.

۵- Ethic Of Care.

۶- John Passmore.

۷- John Rawls.

۸- *A Theory Of Justice*.

۹- Sissela Bok.

۱۰- *Lying: Moral Choices In Public And Private Life*.

۱۱- *Secrets*.

۱۲- Mary Midgley.

۱۳- *Beast And Man*.

۱۴- Onora O'neil.

را به مباحث فحطی و فقر ربط داده است. بحث میان اجتماع گرایان^۱ و طرفداران آزادی فردی راجع به اخلاق سرمایه داری و نقش رفاه نیز می‌تواند به عنوان بخشی از اخلاق کاربردی در نظر گرفته شود. یورگن هابرماس، فیلسوف آلمانی که چهره پرنفوذی هم در بر اروپا و هم در جهان انگلیسی زبان دارد مفهومی از اجماع^۲ به دست می‌دهد که عبارت از هدف نظریه‌ای است که در عمل نمودار می‌شود.

۶. اخلاق حرفه‌ای

ممکن است مشابه این تقسیم و تمایزات، خود را در اخلاق حرفه‌ای نشان دهند. در عین حال این ایده که مطالب خاصی باید راجع به علم اخلاق ویژه حرف خاص وجود داشته باشد، از روزگار باستان تا کنون وجود داشته است، یعنی زمانی که سوگند هیپوکراتیس^۳ برای دست اندرکاران حرفه پزشکی الزامی بود. بسیاری از گروه‌های مدرن، از جمله مهندسان، پرستاران و حقوق دانان، ضوابط رسمی‌ای را پذیرفته‌اند که معیارهای رفتار اخلاقی را برای حرفه‌شان تعیین می‌کنند. همچنین علم اخلاق نقش فزاینده‌ای در تربیت متخصصان ایفا می‌کند. غالباً روش‌های راجح در این باب استفاده از مطالعات موردی، گاه با مطالعه موارد فرضی و گاه با استفاده از نوارهای ویدیویی موارد واقعی است. یک مسأله در مورد روش مطالعه موردی تأثیر منفی احتمالی آن است. با توجه به اینکه هر مسأله اخلاقی حداقل دو بعد دارد و اینکه طرح و ارائه نظریات اخلاقی نتایج متعارضی در بر دارد ممکن است این نظریات خطر یک اخلاق سهل‌انگارانه^۴ یا نسبی‌گرایی فرهنگی را ایجاد کند، یعنی این دیدگاه را که تنها عقاید و نظراتی وجود دارند و نه پاسخ‌ها و راه‌حلها. استفاده از مطالعات موردی و بررسی‌های مبتنی بر اخلاق موقعیتی^۵ همچنین ممکن است تلویحاً به تهدید اصول منجر شود. در مقابل برخی دوره‌های آموزشی صرفاً با هدف افزایش حساسیت اخلاقی کارآموزان ترتیب یافته‌اند، این دوره‌ها بر این فرض مبتنی‌اند که اگر این دوره‌ها موفق شوند به تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای خوبی راه خواهند برد.

۱- Communitarians.

۲- Consensus.

۳- Hippocratic Oath.

۴- Facile Moral.

۵- Situational Ethics.

۷. آیا متخصص اخلاقی هم داریم؟

اخلاق کاربردی دلمشغول دعوی تخصص اخلاقی نیست، بلکه غالباً علاقمند به تشریح مساعی با متخصصان در حوزه‌های کاربردی است تا به تصمیمات و سیاستگذاری‌هایی دست یابند که به ملاحظات اخلاقی نقش تعیین کننده‌ای اعطا نماید.

در حال حاضر، پذیرش گسترده‌ای در مورد اصل تضمین ارائه دیدگاه‌های فلسفی یا اخلاقی در انواع خاصی از تریبون‌ها مانند تحقیقات عمومی، گزارش‌های کمیته‌های قانونگذاری یا کمیسیون‌های تحقیق و کمیته‌های اخلاقی بیمارستانی وجود دارد. ایالات متحده آمریکا یک کمیسیون ریاست جمهوری دارد تا مستقیماً موضوعات مربوط به اخلاق زیستی^۱ را به رئیس جمهور ایالت متحد گزارش دهند، بریتانیا یک کمیته ملی اخلاق زیستی دارد که مستقل از دولت بنیان‌گذارده شده است، و در همین حال در فرانسه یک کمیته ملی فرانسه در باب امور اخلاقی در مسائل عمومی فعالیت دارد. در سال ۱۹۸۵، شورای اروپا یک هیأت چند رشته‌ای را مرکب از متخصصان منصوب از سوی هر یک از کشورهای عضو تشکیل داد که امروز، به آن کمیته مسؤول اخلاقی زیستی می‌گویند.^۲ کانادا یک کمیسیون سلطنتی در فناوری‌های جدید تولید مثل تشکیل داده است و کمیسیون‌های پارلمان اروپا گزینه‌های سیاست علمی و تکنولوژیک را پیشنهاد می‌کنند. دیگر کشورها در حال دنبال کردن همین الگو هستند. به علاوه شورای اروپا در سال ۱۹۹۰ کار بر روی پیمان اخلاق زیست پزشکی اروپا را آغاز کرد که ابزار الزام‌کننده حقوقی‌ای برای همه کشورهای امضا کننده خواهد بود. هدف این پیمان در نهایت هماهنگ کردن قانونگذاری اروپا در باب موضوعات مربوطه است.

افراد هم به عنوان مشاورانی در رابطه با مباحث سیاست عمومی مورد استفاده واقع شده‌اند. در اروپا، جاناتان گلور با همکاری اتباع کشورهای اروپایی دیگر گزارشی از باروری و خانواده برای کمیسیون اروپا تهیه کرد (۱۹۸۹) همچنین ویل کیملیکا^۳ به عنوان عضو کمیسیون سلطنتی کانادا در همین موضوع مشاوره‌هایی ارائه داده است. در ایالات متحد آرتور کاپلان^۴ یکی از اعضای نیروی مأمور ریاست جمهوری در باب اصلاح بهداشت ملی بود. در بریتانیا، مری

۱- Bioethical.

۲- Comite Directuer De Bicethique Cdbi.

۳- Will Kymlicka.

۴- Arthure Caplan.

وارنوک^۱ فیلسوف (۱۹۸۵) مسئول گزارش‌های اداری در مورد نیازهای آموزشی کودکان دچار معلولیت و مشکلات یادگیری و همچنین در باب دستاوردهای جدید در طب تولید مثل و جنین شناسی بود؛ برنارد ویلیامز^۲ (۱۹۷۹) نقش مشابهی در مورد شهوت‌نگاری^۳ و سانسور ایفا می‌کرد. بحث‌ها راجع به آسان‌میری^۴ در هلند فیلسوفان، حقوق‌دانان و نظریه پردازان اجتماعی را به خود مشغول کرده است. متأسفانه دیدار پیتر سینگر از آلمان اعتراضات گسترده‌ای را به مباحث کشتن از روی ترحم برانگیخت و باعث مهجور شدن اخلاق زیستی در برخی حلقه‌ها و رد عمومی و ناسنجیده اخلاق کاربردی شده است.

همچنین می‌توان به برخی دستاوردها در این حوزه‌ها اشاره کرد؛ مثلاً سنجش و بررسی اخلاق آزمایش‌های کلینیکی به ویژه در خصوص ایدز منجر به مفهوم سازی مجدد ملزومات آزمایش‌های کلینیکی شد و باعث تجویز یک سیستم چند گزینه‌ای گردید که هم به لحاظ علمی قابل قبول است و هم در سطح قابل قبول تری به بیماران و پزشکان امکان انتخاب می‌دهد.

۸. پژوهش در اخلاق کاربردی

به طور کلی آنان که در تحقیقات سرمایه‌گذاری می‌کنند، جمع‌آوری واقعیات را که غالباً به آن «تولید دانش جدید» اطلاق می‌شود ضروری در نظر می‌گیرند؛ در مقابل به نظر می‌رسد که فلسفه دست اندرکار تأمل درباره واقعیات هستند و این در حالیست که فلسفه هنجاری نسخه‌هایی برای عمل یا سیاست تولید می‌کند. اخلاق کاربردی در بهترین حالت مجالی برای تلفیق این رویکردهاست. مجالی برای طرح واقعیات که موضوع مناسب را برای تفکر تحلیلی و حساس به موضوعات اخلاقی فراهم می‌آورند و مجالی برای پژوهش فلسفی تا ضرورت به حساب آوردن چهارچوب کاربردی که تفکر و تأمل در قالب آن ریخته می‌شود را بپذیرد.

بنابر این تحقیق در اخلاق کاربردی در وضعیت آرمانی از درک یک مسأله آغاز می‌شود و با انگیزه یافتن راه حلی برای آن مسأله انجام می‌شود. اخلاق کاربردی در موارد فراوان میان رشته‌ای است. یک برنامه پژوهشی غالباً از پیشرفت فناوری الهام می‌گیرد و همین پیشرفت است که ملاحظات اخلاقی را در قلب بسیاری از حوزه‌های بحث عمومی نشانده است. نمونه عادی

۱- Mary Warnock.

۲- Bernard Williams.

۳- Pornography.

۴- Euthanasia.

آن، مجادلاتی است که هم اینک در مورد فناوری‌های جدید تولید مثل ذکرشان رفت: تحقیق بر روی جنین، اهدای جنین^۱، مادری نیابتی^۲ که پرسش‌هایی درباره جایگاه و موقعیت جنین انسانی و تعریف پدر و مادر بودن ایجاد می‌کند.

زمینه‌های مناسب دیگر برای تأثیرگذاری علم اخلاق بر تحقیق کاربردی، برای مثال این موارد را در بر می‌گیرند: پروژه ژنوم انسانی^۳، اخلاق محرمانه بودن اطلاعات مربوط به افراد^۴، ارتباط بیمه با ایدز یا بیماری‌های موروثی، مراقبت از سالمندان، بی‌خانمانی و بیماری‌های روانی. در عین حال، یک نکته را باید توضیح داد و آن اینکه صرف جمع‌آوری اطلاعات در مورد آنچه مردم درست می‌انگارند، نه اخلاق کاربردی است و نه چیز دیگر، بلکه جامعه‌شناسی است.

۹. مؤسسات

بسیاری از مراکز پژوهشی در طی دهه‌های اخیر ایجاد شده‌اند. کارکرد آنها معمولاً انجام تحقیقات، تولید نشریات و ترتیب دادن سخنرانی‌ها، سمینارها و کنفرانس‌ها درباره مباحث عملی مربوط به اخلاق است.

امریکای شمالی از خوش‌بنیادترین شبکه‌های نهادی و سازمانی برخوردار است. نخستین سازمان در این حوزه مرکز هاستینگز^۵ در نیویورک (۱۹۶۹)، است و سپس مرکز فلسفه و امور عمومی دانشگاه مریلند و مرکز مطالعه علم اخلاق در حرفه‌ها تحت پوشش مؤسسه فناوری ایلینویز (۱۹۷۶)، مرکز مطالعه ارزش‌ها در دانشگاه دلور^۶ (۱۹۷۷) و مرکز فلسفه سیاست اجتماعی از دانشگاه دولتی بولینگ گرین^۷ در اوهایو (۱۹۸۱). در حال حاضر مراکز بسیار دیگری در دانشگاه‌های ایالات متحد و جاهای دیگر وجود دارند از جمله در بریتانیا، مرکز فلسفه و امور عمومی در دانشگاه سنت اندروز^۸، مرکز حقوق پزشکی و اخلاق در کالج کینگز لندن^۹، و مرکز

۱- Donation Of Gametes.

۲- Surrogate Motherhood.

۳- Human Gemme Project.

۴- Ethics Of Confidentiality.

۵- Hastings Center.

۶- The Center For The Study Of Values, University Of Delaware.

۷- Bowling Green State University.

۸- University Of St Andrews.

۹- King's Collage London.

تحقیقاتی ارزش‌های اجتماعی در دانشگاه هول^۱ هلند مراکز اخلاق زیستی را در اوترخت و ماستریخت دارد و کار بر روی اخلاق کاربردی در کشورهای اسکانندیناوی با گرایش جدی به اخلاق باروری در آرهوس دانمارک و مباحث رفاهی حیوانات در کپنهاگ در حال افزایش است. شبکه اروپایی اخلاق تجاری^۲ ابتدا در سوئیس بنیان‌گذارده شد و اخلاق کاربردی در اسپانیا و آلمان نیز به خوبی بنیان‌گذارده شده است، صرف نظر از بخش‌هایی که توسط دانشگاه‌ها ایجاد شده‌اند، جامعه فلسفه کاربردی (۱۹۸۲) به بیشتر حوزه‌های اخلاق کاربردی علائق کلی دارد و عضوگیری گسترده‌ای دارد که به فلاسفه حرفه‌ای محدود نمی‌شود.

استرالیا در بسیاری از حوزه‌های اخلاق کاربردی پیشتاز بوده است: پیتر سینگر همراه با هلگا کوهس^۳، مرکز اخلاق زیستی انسانی (۱۹۸۰) را در دانشگاه موناش^۴ بنیان‌گذاشت و در حال حاضر مراکز متعدد دیگری در زمینه اخلاق کاربردی در استرالیا وجود دارد؛ ذکر این نکته هم خوب است که در آنجا به اخلاق زیست-محیطی توجه ویژه‌ای می‌شود، مسائلی مانند گونه‌ها حفظ و تهدیدات اکولوژیک مانند تخریب لایه ازن که مستقیماً به ساکنان زمین ارتباط می‌یابد. ایجاد کرسی اخلاق محیط زیست در دانشگاه وارسا^۵ نشان‌دهنده توجه جدی به اخلاق زیست-محیطی در کشورهای کمونیست سابق اروپای شرقی که تا اندازه‌ای ریشه سیاسی دارد است. کشورهای دیگری که در آنها گرایش به اخلاق کاربردی رو به افزایش است بخش‌هایی از جنوب شرقی آسیا، از جمله تایلند و هنگ کنگ، هند و کشورهای متعدد آفریقایی هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- University Of Hull.

۲- Eben.

۳- Helga Kushe.

۴- Monash University.

۵- Warsa University.

۱۰- مآخذ و منابعی برای مطالعه افزون

1. Aquinas, T. (1266-73) *Summa theologiae* (Synopsis of Theology), ed. T. Gilby, London: Eyre & Spottiswoode, 1963-, 60 vols.
2. Bentham, J. (1789) *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*, ed. J.H. Burns and H.L.A. Hart, revised F. Rosen, Oxford: Clarendon Press, 1996.
3. Bok, S. (1978) *Lying: Moral Choices in Public and Private Life*, New York: Pantheon.
4. Bok, S. (1984) *Secrets*, New York: Random House.
5. Carson, R. (1962) *Silent Spring*, London: Hamish Hamilton.
6. Clark, S.R.L. (1977) *The Moral Status of Animals*, Oxford: Oxford University Press.
7. Dewey, J. (1916) *Democracy and Education*, New York: The Free Press, 1966.
8. Gilligan, C. (1982) *In a Different Voice: Psychological Theory and Women's Development*, Cambridge, MA: Harvard University Press; 2nd edn, 1993.
9. Glover, J. (1977) *Causing Death and Saving Lives*, Harmondsworth: Penguin.
10. Glover, J. et al. (1989) *Fertility and the Family: The Glover Report on Reproductive Technologies to the European Commission*, London: Fourth Estate Ltd.
11. Grotius (1625) *De iure belli ac pacis*, trans. F. Kelsey, The Law of War and Peace, Oxford: Oxford University Press, 1925.
12. Hare, R.M. (1981) *Moral Thinking*, Oxford: Oxford University Press.
13. Hursthouse, R. (1987) *Beginning Lives*, Oxford: Blackwell.
14. Kant, I. (1785) *Grundlegung zur Metaphysik der Sitten*, trans. H.J. Paton, Groundwork of the Metaphysics of Morals
15. Kant, I. (1797) *On a Supposed Right to Lie from Altruistic Motives*, in "The Philosophy of Immanuel Kant", trans. L.W. Beck, Chicago, IL: University of Chicago Press, 346-9.
16. Locke, J. (1689) *A Letter concerning Toleration*, ed. J.W. Gough and R. Kilbansky, Oxford: Oxford University Press, 1968.

17. Midgley, M. (1978) *Beast and Man*, Ithaca, NY: Cornell University Press.
18. Mill, J.S. (1859) *On Liberty*, Harmondsworth: Penguin, 1982.
19. O'Neill, O. (1986) *Faces of Hunger*, London: Allen & Unwin.
20. Passmore, J. (1974) *Man's Responsibility for Nature: ecological problems and Western traditions*, London: Duckworth; 2nd edn, 1980.
21. Rachels, J. (ed.) (1971) *Moral Problems*, New York: Harper & Row; 3rd edn, 1979.
22. Rachels, J. (1986) *The End of Life: Euthanasia and Morality*, Oxford and New York: Oxford University Press.
23. Rawls, J. (1971) *A Theory of Justice*, Oxford: Oxford University Press.
24. Singer, P. (1975) *Animal Liberation*, New York: New York Review of Books Press; repr. London: Jonathan Cape, and New York: Random House, 1990.
25. Singer, P. (1979) *Practical Ethics*, Cambridge: Cambridge University Press; 2nd edn, 1993.
26. Singer, P. (ed.) (1986) *Applied Ethics*, Oxford: Oxford University Press.
27. Suárez, F. (1612-21) *Selections from Three Works of Francisco Suárez*, S.J., trans. G.L. Williams et al., in J.B. Scott (ed.) *Classics of International Law* 20, vol. 2, Oxford: Clarendon Press, 1944.
28. Walzer, M. (1977) *Just and Unjust Wars*, New York: Basic Books.
29. Warnock, M. (1985) *A Question of Life: The Warnock Report on Fertilisation and Embryology*, Oxford: Blackwell.
30. Williams, B. et al. (1979) *Report of the Committee on Obscenity and Film Censorship* ('The Williams Report') Cmnd 7772, London: Her Majesty's Stationery Office; abridged version repr. as B. Williams (ed.) "Obscenity and Film Censorship", Cambridge: Cambridge University Press, 1981.

31. *Ethics*¹ (1890-).
32. *Philosophy*² (1925-) Cambridge: Cambridge University Press.
33. *Social Theory and Practice*³ (1970-)
34. *Philosophy and Public Affairs*⁴ (1971-)
35. *Journal of Applied Philosophy*⁵ (1984-)
36. *Public Affairs Quarterly*⁶ (1987-)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز فلسفه اجتماعي

- ۱- مجله‌ای که مقالاتی در کلیه حوزه‌های اخلاق منتشر می‌کند.
- ۲- مجله‌ای که مقالاتی در کلیه قلمروهای فلسفی و عموماً در حوزه‌ای غیرفنی و غیرتخصصی منتشر می‌کند.
- ۳- یک مجله میان‌رشته‌ای در باب فلسفه اجتماعی.
- ۴- مجله‌ای که به مطالعه فلسفی مباحث مورد توجه عامه، از جمله مسائل حقوقی، اجتماعی و اجتماعی اختصاص داده شده‌است.
- ۵- مجله‌ای که در توضیح و شرح مباحث اخلاقی و فلسفه در بسیاری از حوزه‌ها و قلمروهای موضوعات کاربردی کمک می‌کند.
- ۶- یک مجله مطالعات فلسفی در مورد مباحث سیاست‌گذاری.